



نقش انگلیس ها در عروج و سقوط رژیم سکوی و

پایه گذاری سلطنت محمد نادرشاه شهید

بخش دوم

عروج و سقوط امیر حبیب الله کلکانی

الف - اغتشاش - یک طرح پلان شده!

در اثنای اغتشاش "سکوی" و بعد از آن، این ذهنیت روز بروز قوت گرفت که براه انداختن قیامهای پی در پی بر علیه رژیم امانی بیشتر ریشه های سیاسی داشت و اصلاحات فقط بهانه و وسیله تحریک مردم علیه دولت بود که در پشت پرده دست دراز انگلیس ها فعالانه نقش بازی میکرد. این ذهنیت نه تنها در حلقات داخلی روی زبان ها بود، بلکه بازتاب آن در مطبوعات خارجی از جمله نشرات آزاد هند، جرمنی، فرانسه، ایتالیا، روسیه و ترکیه بسیار گسترده بود. مخصوصاً بعد از آنکه "دیلی نیوز لندن" در شماره مؤرخ 5 دسامبر 1928 حضور "کلونل لارنس" معروف را در ماورای سرحد افغانستان به نشر سپرد و پرده از روی فعالیت های او زیر نام "پیرکرم شاه" برداشت، باور براینکه انگلیس ها در قیام شینوار و همچنان تقویه گروپ کلکانی در شمال کابل دست دارند، بیشتر شد. (برای شرح مزید دیده شود: نوید، سنزل: واکنش های مذهبی و تحولات اجتماعی در افغانستان 1919 - 1929، ترجمه: محمد نعیم مجددی، 1388 شمسی، هرات، صفحه 178 تا 180)

درباره دلایلی که چرا انگلیس ها در تلاش سقوط هرچه زودتر رژیم امانی بودند، قبلاً بحث کردیم و اما اینکه آنها از میان چندین مدعی قدرت علی احمد خان والی، غلام نبی خان چرخ، محمد ولی خان و محمد نادر خان چه کسی را میخواستند بجای شاه امان الله به سلطنت برسانند، نیز وضاحت وجود داشت، زیرا هیچیک به اندازه محمد نادر خان مناسبتر برای انگلیس ها نبود و اما مشکل کار در آن بود که محمد نادر خان و دو برادرش برای چند سال از وطن دور و از حلقه مستقیم قدرت در کشور بیرون بودند و در داخل نیز قدرت لازم نداشتند. بناءً انگلیس ها پلان تاکتیکی را برای این منظور طوری طرح کردند که نخست باید به ایجاد یک دوره انتقالی کوتاه مدت بپردازند تا رژیم امانی را سقوط دهند. انگلیس ها و ایجنٹ های شان در قدم اول کوشیدند تا توسط راه اندازی قیامها در شینوار و جلال آباد دولت مجبور شود قوای نظامی بیشتر به آنجا اعزام دارد و بدانسویه بنیه دفاعی را در کابل ضعیف سازند و در عین حال زمینه پیشرفت قوای کلکانی را بطرف کابل مساعد کنند. علاوه کوشیدند در اثر جذب قبلی بعضی از اراکین پر قدرت دولت بسوی مخالفین، باید از یکطرف اطراف شاه خالی شود و از طرف دیگر مقاومت قوای دولت در برابر گروپ کلکانی خنثی گردد. واضح بود که در این حال شاه راه دیگر نخواهد داشت، جز آنکه یا تسلیم شود، یا فرار کند و یا در مقاومت کشته شود. لذا انگلیس ها در پشت پرده با تطبیق این سناریو مطمئن بودند که قدرت بدست حبیب الله کلکانی می افتد و آن وقت کنار زدن او از قدرت کار دشوار خواهد بود.

همچنان در این تاکتیک، قبلاً سنجیده شده بود که اگر قوای کلکانی به شکست مواجه شود و سلطنت شاه امان الله از حادثه مصنون بماند، در آنصورت هیچ صدمه به شخص مورد نظر شان یعنی محمد نادر خان نمیرسد و حتی پس از آن او ادعا کرده میتواند که هدف از آمدنش قبول دعوت شاه و مقابله در برابر شورشیان بود که در اینصورت احتمال داشت او قدرت از دست رفته را در دولت باز یابد. اینکه آیا محمد نادر خان قبلاً در زمینه با انگلیس ها در تماس بود، سؤالیست که بعداً به آن جواب خواهیم گفت.

ب - نگاهی به شرح حال امیر حبیب الله کلکانی:

امیر حبیب الله پسر امین الله از قریه کلکان کوه‌دامن و از قوم تاجیک بود که هنگام جلوس بر تخت امارت چهل سال داشت. این دهقان زاده ای ماجراجو و با شهامت که از نعمت سواد تا آخر زندگی محروم مانده بود و هرگز تصور نمیکرد که روزی دست زمانه او را بر صریر سلطنت بنشاند، نخست در املاک محمد ولی خان دروازی در "قلعه مراد بیگ" کوه‌دامن خدمت میکرد، بعد در قطعه نمونه شامل عسکری شد، پس از دو سال خدمت، با تفنگ خود فرار کرد و در پشاور در دکان سماوارچی مشغول کار شد. از آنجا به "پاره چنار" رفت و به اتهام سرقت زندانی گردید، در قیام خوست (1924) به کمک مخالفان دولت شتافت، از آنجا بسوی بخارا رفت تا در جنگ علیه روسها شرکت کند. از آن به بعد در وطن بزعم بعضی ها به دزدی و قطاع الطریقی و بزعم دیگر به عیاری پرداخت به این مفهوم که او برفقراء و بینوایان مهربان و با سخاوت بود و در برابر صاحبان قدرت بیرحم و سخت گیر. شهرت حبیب الله به جانی رسید که حکومت امانی با او کنار آمد، پول و اسلحه برایش داد تا با یاران هم پیمانش علیه شورشیان سمت مشرقی بچنگند، ولی او این پول و سلاح را علیه حکومت بکار بست و به تحریک گماشتگان بیگانه، حمله بر کابل را پیش گرفت و در اثر فشار قوای او، مقاومت قوای دولت از هم پاشید و شاه امان الله مجبور به استعفی و ترک کابل گردید و عازم قندهار شد. قوای سقوی بتاريخ 28 جدی 1307 ش (17 جنوری 1929) ارگ کابل را اشغال کردند و حبیب الله کلکانی خود را امیرافغانستان خواند و به سلطنت رسید.



از راست به چپ: امیر حبیب الله کلکانی، شیر جان خان وزیر دربار و حمید الله برادر امیر مشهور به "سردار اعلی"

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

ج - انگلیس ها و رژیم سقوی:

سقوط رژیم امانی در کابل یکی از اهداف اولی انگلیس ها بود که برای نیل به این هدف آنها قوای سقوی را تشویق و تقویت نمودند، چنانچه وقتی حبیب الله در جنگ کابل زخمی شد، سفارت انگلیس فوری به مداوای او پرداخت. سفیر انگلیس "همفریز" در همین راستا کوشید تا با آماده ساختن طیاره انگلیسی زمینه خروج عنایت الله خان معین السلطنه سابق و پادشاه جدید را به هند فراهم سازد و سلطنت حبیب الله کلکانی را رسمیت دهد. همچنان هنگامی که قوای طرفدار شاه امان الله (اکثر متشکل از اقوام هزاره) در غزنی رو به پیشرفت گذاشتند، انگلیس ها به وسیله حضرت شوربازار اقوام سلیمان خیل را علیه شان شورانید و طیاره های انگلیسی به طرفداری قوای سقوی داخل فعالیت شدند. در عین زمان کوشش انگلیس ها در آن بود تا هر چه زودتر به حکومت سقوی پایان دهند تا راه را برای سلطنت نادرخان باز نمایند. روی همین انگیزه بود که همفریز - سفیر انگلیس کوشید تا 586 نفر اعضای کورد پلماتیک مقیم کابل را (البته به استثنای آلمان ها و ترک ها) در ظرف مدت دو ماه در 28 پرواز طیاره انگلیسی به پشاور برساند و آنها را از آنجا به کشورهای شان برگرداند. چون حبیب الله پایتخت را در تصرف داشت و به این ترتیب حیثیت دولت را بدست آورده بود، انگلیس ها در هراس بودند که مبادا با موجودیت سفارت ها و اعضای آن در کابل رژیم سقوی از طرف کشورهای دیگر به رسمیت شناخته شود. لذا همفریز به بهانه خطر جانی برای خارجی ها، آنها را جهت خروج فوری از کابل قناعت داد و بدینوسیله احتمال شناسائی رژیم را از بین برد (آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم: محمد فاضل صاحبزاده، چاپ دوم، پشاور، 1370، صفحات 226 تا 230)

در عین زمان حکومت انگلیس با حکومت شوروی به تماس شد و تقاضای بیطرفی و عدم مداخله را در امور افغانستان نمود و چنان نشان داد که گویا انگلیس ها نیز بیطرفی را حفظ خواهند کرد. همین بود که شوروی ها نیز از حمایت و تقویه قوای غلام نبی خان چرخ که برای اعاده مجدد سلطنت امانی در شمال کشور به فعالیت آغاز کرده بودند، طفره رفتند و این تلاش با بیرون شدن شاه از کشور بی نتیجه ماند. (شرح مزید: آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان...، صفحات 230 تا 233)

با دلایل فوق دیده میشود که این تاکتیک انگلیس ها مثل شمشیر دو تیغه بود که از یکطرف قوای سقوی را در برابر شاه امان الله تقویه میکرد و اما از طرف دیگر سعی میشد تا عمر حکومت سقوی را هر چه کوتاه تر و زمینه آمدن محمدنادر خان را در کابل مساعدتر سازد.

د - وخامت اوضاع و علل سقوط رژیم:

رژیم سقوی در مدت 9 ماه عمر کوتاه خود از دو طرف زیر فشار قرار داشت: یکی از ناحیه جنگ های مدعیان قدرت و سلطنت و دیگر از بی کفایتی و استبداد اراکین بیسواد و خود مختار دولت که با اعمال زور و چپاولگری بی نظیر، مردم را علیه رژیم به مقاومت و امیداشت. مشکلات روزافزون که بقای رژیم را هر لحظه زیر سوال میبرد، بر علاوه ای نقش فعال انگلیس ها در فروپاشی رژیم، شامل عوامل متعددی بود که بالاخره منجر به سقوط این دوره گردید که مهمترین آن عبارت بودند از:

1- آنچه از همه بیشتر در بی ثباتی رژیم سقوی مهم و جدی تلقی میشد، همانا واقعیتی بود که قبایل پشتون، بخصوص پشتونهای ماورای سرحد از جمله قبایل مسعود، وزیر و افریدی و همچنان قبایل مومند و شینوار مشرقی و قبایل دیگر جنوب کشور و پشتون های قندهار سر مخالفت را از نظر قومی با رژیم داشتند و نمیخواستند که سلطنت افغانستان بدست یک شخص غیر پشتون باشد، البته در این زمینه تحریک انگلیس ها یک عامل عمده بود که از ماورای سرحد منشاء میگرفت.

2- مشکلات مالی ناشی از مصارف روزافزون جنگ ها عامل مهم دیگر بود؛ با آنکه امیر حبیب الله کلکانی در آغاز بیش از 750 هزار پوند اندوخته دولت را در ارگ بدست آورد، ولی این مبلغ به زودی بمصرف جنگ رسید و امیر مجبور شد برخلاف آنچه وعده داده بود، مالیات را افزایش دهد و باقیات دوره های گذشته را که عفو کرده بود، دوباره بر مردم حواله دارد. اینکار موجب برافروختگی مردم و بی اعتباری مزید رژیم گردید.

3 - نظریه ضرورت عاجل به عسکر، بار دیگر سیستم هشت نفری را در اخذ عسکر برخلاف فرمان خود جاری ساخت.

د پاپو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

- 4 - عساکر کوهستانی هم رزمان امیر از جنگیدن خسته شده بودند و با بدست آوردن غنایم و چپاول اموال عامه و اشخاص، دیگر به کار عسکری علاقه نداشتند.
- 5 - ظلم و استبداد، قتل و قتال، خودسری و مطلق العنانی اراکین دولت مردم را بستوه آورده بود و همه آرزومند سرنگونی هرچه زودتر رژیم بودند و حتی چند جوان به سوء قصد علیه جان امیر حبیب الله دست بردند.
- 6 - بعضی از حامیان فرصت طلب امیر از جمله اراکین دولت وقتی دیدند که رژیم رو به زوال می‌رود و امید نجات آن هرروز کمتر می‌گردد، از حمایت خود از رژیم دست کشیدند و حتی بعضی از آنها به صف مخالفان پیوستند.
- 7 - نورالمشایخ که روزی از حامیان رژیم بود، نیز مخالف امیر شد و بتاريخ 14 جون 1929 فتوای شرعی صادر کرد که حبیب الله مسئول ریختن خون بیگناهان بوده و کفایت اسلامی ادامه سلطنت را ندارد و با این فتوا غلجائی های سلیمان خیل را به حمایت محمد نادرخان کشانید.
- 8 - جنگ در شینوار و مومند آغاز شد .
- 9 - درقندهار قیام براه افتاد و حکومت سقوی مجبور شد از کابل به قندهار عسکر اعزام کند که بدینوسیله بنیة دفاعی کابل تضعیف شد.



یک تعداد از بزرگان حکومت "سقوی" بعد از سقوط رژیم - از راست به چپ: (ایستاده) - جنرال محمد صدیق، شیرجان خان، امیر حبیب الله، سیدحسین، عطا الحق، نائب سالار غیاث، حمیدالله برادر امیر؛ (نشسته) - محمد کاظم پسر محمد صدیق، ملک محسن، عبدالستار پسر عبدالغیاث و سیدمحمد یاور برادر ملک محسن.

- 10 - جنگ مدعیان قدرت نیز در تضعیف قوای سقوی تأثیر بارز داشت: قوای امان الله خان از جانب قندهار، محمد نادرخان از سمت جنوبی، والی علی احمد خان از سمت مشرقی و بعداً از قندهار، غلام نبی خان از شمال و شجاع الدوله خان از هرات، همه جبهات گرم جنگ بودند. با آنکه شاه امان الله از ادامه تلاش دست کشید و وطن را ترک کرد، غلام نبی خان نیز دوباره به شوروی رفت، علی احمد خان که دو مرتبه امارت کرده بود - یکی در جلال آباد و دیگری در قندهار، بالاخره توسط قوای سقوی درقندهار دستگیر و درکابل به توپ پرانده شد و شجاع الدوله خان از

د پانیو شمیره: له 4 تر7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

هرات به ایران و از آنجا به اروپا رفت، اما یگانه کسیکه به مقصد رسیدن به سلطنت در برابر قوای سقوی پایداری کرد - البته به حمایت انگلیس ها و همکاری حضرت شوربازار، همانا محمد نادرخان بود که با وجود شکست ها و تحمل مشکلات عدیده توانست بالاخره قوای سقو را به عقب براند و کابل را به تاریخ 23 میزان 1308 اشغال نماید که فرار امیر حبیب الله از ارگ بایک عده از اطرافیانش در حقیقت اعلام سقوط رژیم سقوی و پایان سلطنت امیرحبیب الله کلکانی بود.

ه - پایان کار رژیم "سقوی":

اقوام ماوراء سرحد به کمک انگلیس ها زمینه های ورود محمد نادرخان را از هند برتانوی به داخل افغانستان و به شهر خوست مساعد ساختند و اقوام خوست، جاجی و منگل و دیگران برای اینکه از چور و تاراج بی بهره نمانند، حاضر شدند با نادر خان کمک کنند. حضرت شوربازار که خیال امارت داشت و به انتظار انکشاف مزید در سلیمان خیل بود، مفاد خود را در حمایت از نادرخان دید و برای حفظ نفوذ خویش و ابراز بیطرفی نخست غلجانی ها را به کمک نادرخان فرستاد.



اجساد اعدام شدگان رژیم سقوی

لذا نادر خان بنا بر دو دلیل تصمیم گرفت که مستقیماً به کابل حمله کند: یکی رفع خطر غلجانی ها و دیگر پیشنهاد شاه ولی خان که با انصراف از حمله بر غزنی و گردیز مستقیماً از بیراهه به کابل وارد شود، زیرا او میدانست که تعداد عساکر سقوی در کابل اندک است. در این موقع شاه محمود خان با یک لشکر دیگر از طریق ریشخور و دارالامان خود را بکابل رسانید. روز بعد بتاریخ 23 میزان نادرخان نیز به چهلستون مواصلت کرد و فردای آن روز داخل کابل شد و در محله باغ علیمردان که جایگاه جدش سردار سلطان محمد خان طلانی بود، فرود آمد و از آنجا بتاریخ 24 میزان 1308 (16 اکتوبر 1929) هنگامی وارد ارگ گردید که قوای سقوی قبلاً زیر فشار جنگ های شدید ارگ را ترک کرده و به سمت شمالی - کوهدامن فرار نموده بودند. سپس محمد نادر خان با چندی از همراهان به سلام خانه رفت، جائیکه یک تعداد از طرفدارانش به انتظار ورود او بودند و موضوع بیعت مطرح شد که در نتیجه به پیشنهاد

د پانیو شمیره: له 5 تر7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

دو سه نفر معلوم الحال محمد نادرخان به پادشاهی افغانستان رسید. (توضیحات مزید در این مورد در بخش بعدی تقدیم میگردد)

پس از آنکه حبیب الله کلکانی با تعدادی از یاران خود به شمالی رفتند، محمد نادرشاه پیام خصوصی برای حبیب الله فرستاد و از او دعوت کرد که از جنگ و خونریزی اجتناب نماید و موافقه کند که شامل حکومت جدید گردد. محمد نادرشاه یک وفدی را نزد حبیب الله فرستاد و در حاشیه قرآن مجید مهر و امضا کرد که با آنها از راه صلح و دوستی پیش می آید. اعضای این وفد عبارت بودند از: شاه محمود خان و شاه ولی خان، حضرات مجددی فضل عمر و محمد صادق، شیراحمد زکریا و فیض محمد زکریا، احمد علی لودی، یک روحانی از جلال آباد و یک سید از تگاب، بزرگ جان مجددی، محمد رفیق خان جمال آغانی، زلمی خان منگل و دیگران.

هیئت در کوهدامن بصورت منفرد و جمعی چندین بار با حبیب الله کلکانی و دستیاران مهم او صحبت کردند تا آنکه پس از صحبت های زیاد بالاخره نظر موافق حبیب الله را حاصل کردند. همان بود که همه به ذریعه موتر به کابل آورده شدند. سپس حبیب الله با عده ای از همراهان به دیدار محمد نادرشاه به ارگ رفت. در این دیدار وقتی حبیب الله داخل اتاق شد و به شاه سلام کرد، درحالیکه حاضران مجلس از جای خود حرکتی نکردند، محمد نادرشاه سرش را بلند کرد و با اشاره دست حبیب الله را در محل مشخص به نشستن دعوت کرد. به قول میرغلام محمد غبار: «شاه نگاهی به حبیب الله انداخت و گفت: «خوب! حبیب الله خان شما از این همه خونریزی و ویرانی که در افغانستان نموده اید، چه مطلبی داشتید؟» حبیب الله در جواب گفت: «تا وقتیکه من اختیار داشتم، هر چیزی را که خیر افغانستان دانستم، اجرا کردم. حالا که شما اختیار دار افغانستان شده اید، هرچه را که خیر افغانستان میدانید، همانطور اجرا کنید!» محمد نادر شاه پس از شنیدن این جواب گفت: «خوب! حالا شما چند روزی استراحت کنید، باز هم خواهیم دید!»



بدار کشیدن اجساد بعد از اعدام به هدف تماشای مردم

غبار می افزاید: «مکالمه قطع شد و حبیب الله برخاست و از اتاق خارج شد. محافظین او را با رفقایش توسط موترها به زندان داخل ارگ رهنمونی کردند و آنها ده روز دیگر در این "مهمانخانه" بسر بردند، البته در نهایت بی اعتنائی به مرگ. در روز 11 عقرب به وقت دیگر [عصر] به امر شاه محبوسین را از زندان کشیده و از دروازه شمالی ارگ

د پانوی شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

خارج و در زیر برج شمالی ارگ مشرف به خندق حصار استاده نمودند. در حالیکه تفنگداران دولتی قبلاً در آنجا بحال تیارسی صف کشیده بودند، بعد از چند ثانیه صدای آتش تفنگ برخاست و اجساد خونین حبیب الله بچه سقا، برادرش حمیدالله سردار اعلی، سید حسین وزیر جنگ، شیر جان خان وزیر دربار، محمد صدیق خان قوماندان جبهه پاکتیا، ملک محسن والی کابل، عبدالغنی کوهدامنی قلعه بیگی بچه سقا و محمد محفوظ هندی معاون وزارت جنگ به روی زمین افتاد. فردا نعل اینان روی چوبه های دار [در چمن حضوری] آویزان گردید.» (غبار، میر غلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد دوم، چاپ اول، ویرجینیا، 1999، صفحه 19 و 20)

و - پی آمدهای اغتشاش:

مؤرخ شهیر میر غلام محمد غبار که خود شاهد عینی اوضاع در آن وقت بود، وضع کشور را بطور فشرده مقارن سقوط رژیم سقوی چنین بیان میدارد: «دوره اختلال سقوی تجارت خارجی کشور را سقوط داد، زراعت و پیشه وری را مختل ساخت و شاهراه های مملکت معروض تاخت و تاز سوق الجیشی ها و شهرهای عمده مشغول دفاع یا تعرض بودند. این وظیفه دفاع و تعرض هم برشانه نسل جوان قرار میگرفت که شغل اصلی شان زراعت و مالداری و باغداری و یا صنعت و پیشه وری بود. تمام مؤسسات قانونی و فواید عامه از قبیل معارف، حفظ الصحه، تجارت، صنایع و فابریکه ها از کار افتاده بودند. حیثیت و پرستیژ دولت درسیاست خارجی و اداره داخلی معدوم شده بود. مصارف لشکرکشی ها افزونی گرفت و خزاین دولتی افلاس نمود و مالیات عفو شده و باقیات گذشته تحت تحصیل قرار داده شد و هم دست به ضبط و تاراج دارانی دیگران دراز گردید. قوای قضائی و شرعی و اداره قانونی از کار افتاده و حتی تعامل و مقررات سابقه و محلی از بین رفته بود. هر حاکم و یا افسر نظامی سقوی شخصاً دیکتاتور و فعال ماینشا بود: اینها شفاهاً و کتباً مالیات وضع، در حقوق و جزا و قصاص فیصله و امر صادر و توسط عسکر تطبیق مینمودند. هیچگونه محکمه و محاکمه و جرگه و مشوره وجود نداشت. بزودی صدای شکایت از مرد و زن برخاست، ملاک و روحانی از عاقبت کار در ترس و اندیشه افتادند و مردم کشور معناً و هم عملاً برضد حکومت اغتشاشی به قیام برخاستند» (غبار، میر غلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ"..... صفحه 21)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ